



طالب و عقیده

در حوزه فکری نوعاً طالبی که من دیدم، متأثر از دیوبند است ولی برخی از آنها گرایشات صوفیانه شدیدتری داشتند. من با چند نفر از آنها در نزدیکی کابل پیش یک پیروی رفتم که سران امارت نزد او می آمدند و از او ذکر می گرفتند. فضای صوفیانه در برخی از آنها پررنگ بود. درگیری آنها با داعش هم که از قبل شروع شده بود. دو سه سال قبل به مدت ۸ ماه با داعش در جلال آباد جنگیدند. بعد از ملاعمر انشاقاتی به وجود آمد و برخی از آنها مثل عبدالمنان نیازی ادعای رهبری داشتند. البته بعدها معلوم شد او تحت مدیریت استخبارات و امنیت ملی افغانستان کار می کند و پول های زیادی با هدف ناامن کردن مرزهای مادر اختیار او قرار دادند. بعد هم که کشته شد، نماینده امنیت ملی افغانستان در تشییع او شرکت کرد و او را در مقبره خواجه عبدالله انصاری دفن کردند.

درگیری آنها با داعش از قبل بوده و هست. به نظر من هم خیلی تند در این قضیه برخورد می کردند و هر کسی که متهم به فکروهابی و سلفی بود یا احساس می کردند امکان دارد جذب داعش شود را می کشتند. البته من معتقدم که سرکوب گسترده چه بسا ممکن است به ظهور گروه های مسلح منجر شود و نباید فقط برخورد امنیتی کنند و لایه فکری هم مهم است. خودشان از همان روزهای اول می گفتند در آینده نه چندان دور تنها تهدید امنیتی ما داعش است چون جریان دیگری وجود ندارد که برای ما تهدید تلقی شود. جریان مقاومت که از اساس دروغ بود و کف میدان هیچی نداشت لذا فقط داعش است که حمایت مالی از بیرون